

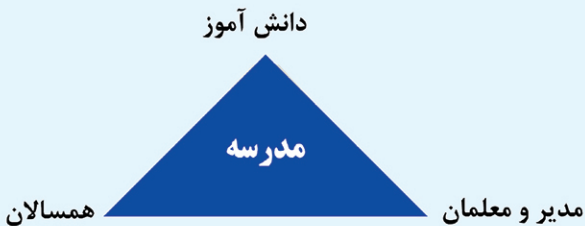
اصل هماهنگی عوامل تربیت در خانه و مدرسه



دکتر احمد به پژوه
استاد روانشناسی دانشگاه تهران



نخستین شبکه ارتباطی



دومین شبکه ارتباطی



سومین شبکه ارتباطی

در نظام تعلیم و تربیت یک جامعه به طور اعم و در نظام تعلیم و تربیت یک خانواده به طور اخص میان کلیه عوامل تربیتی و تعلیمی باید همدلی، همفکری، همکاری و هماهنگی وجود داشته باشد. در غیر این صورت آن نظام از کارایی لازم برخوردار نبوده و میان متعلمان و مربیان تعارض، چندگانگی، اضطراب و کشاکش حاصل می شود و سرانجام به سلامت روانی کودکان آسیب های شدیدی وارد می شود. از این رو، برای تربیت کودکان سالم و با نشاط ضرورت دارد میان همه عوامل تربیتی و همه کسانی که با کودک سروکار دارند، چه در خانه و چه در مدرسه وحدت رویه و هماهنگی وجود داشته باشد.

مهم ترین عوامل تربیتی در درون خانواده، مادر و پدر هستند. راز و رمز موفقیت عوامل تربیتی در چهار رکن اساسی همدلی، همفکری، همکاری و هماهنگی نهفته است و مولوی در دفتر اول مثنوی معنوی در قصه همد و سلیمان چه زیبا گفته است که:

هم زبانی، خویشی و بیوندیست مرد با نامحرمان چون بندیست
ای بسا، هندو و ترک هم زبان ای بسا، دو ترک چون بیگانگان
پس زبان محرمی خود دیگرست هم دلی از هم زبانی بهترست

اگر میان پدران و مادران و معلمان و مربیان در امر تعلیم و تربیت کودک وحدت نظر و هماهنگی وجود داشته باشد:

- کودک به طور طبیعی و بهنجار رشد می کند.
- کودک از سلامت روانی و ثبات عاطفی لازم برخوردار می شود.
- کودک احساس امنیت روانی و امنیت خاطر می کند.
- کودک از شخصیتی سالم و متعادل بهره مند می شود.

زمانی که از عوامل تربیتی سخن به میان می آید، منظور عوامل تربیتی داخل خانه و خانواده (مانند پدر، مادر، خواهر، برادر، مادر بزرگ و پدر بزرگ) و عوامل تربیتی خارج خانه، یعنی مدرسه (مانند، مدیر، ناظم، معلمان، راننده سرویس، سرایدار)، کتاب های درسی، دوستان و همسالان، کوچه و خیابان، مسجد و جامعه و رسانه ها (رادیو و تلویزیون) و نظایر آن است.

از این رو، خانواده و مثلث مقدس مادر، پدر و فرزند، نخستین شبکه ارتباطی محسوب می شود. آنگاه کودک در نقش دانش آموز، دومین شبکه ارتباطی، یعنی مدرسه (مدیر، معلمان و همسالان) را تجربه می کند. سرانجام فرد وارد جامعه می شود و خود را در درون سومین شبکه ارتباطی احساس می نماید. از این رو، باید گفت که آغاز رشد هر کس در خانواده و از خانواده است، اگر چه همه امور و عوامل به خانواده ختم نمی شود.

همسرگزینی است.

• پدر و مادر باید پیشتر دربارهٔ امور گوناگون تربیتی و سبک تربیتی کودک با یکدیگر همفکری کنند، اختلاف نظرهایشان را مرتفع نمایند و به تفاهم برسند و آنگاه تصمیم بگیرند.

• توصیه می‌شود پدر و مادر، نسبت به تعلیم و تربیت فرزند یا فرزندان‌شان احساس مسئولیت کنند، با یکدیگر مشورت کنند، برای تعلیم و تربیت آنان وقت بگذارند، تماشای تلویزیون را مدیریت کنند، در خانه فضای گفت‌وگو و صمیمیت ایجاد کنند و از خودخواهی و سلطه‌گری اجتناب نمایند. در هر حال یادتان باشد که فرزندآوری اختیاری، اما فرزندپروری الزامی است.

• پدر و مادر باید پیشتر دربارهٔ امور گوناگون با یکدیگر صحبت کنند و سعی کنند اختلاف نظرهایشان را مطرح کنند و به تفاهم برسند (برای مثال، استفاده از چادر یا مانتو، جمع و جور کردن وسایل شخصی، اسباب بازی و لوازم تحریر، رفتن یا نرفتن به جشن تولد، زمان شام خوردن و خوابیدن و نظایر آن).

• پدران و مادران باید به طور مستمر با معلمان و مربیان در تعامل باشند و دربارهٔ فرایند رشد کودکان و نوجوانان با یکدیگر مشورت کنند. شرکت در جلسه‌های دانش‌افزایی (جلسه‌های آموزش خانواده) یکی از قدم‌هایی است که پدران و مادران باید با جدیت بردارند.

• توصیه مؤکد می‌شود مدیران و معلمان نیز در جلسه‌های آموزش خانواده شرکت کنند تا با پدران و مادران در تعامل باشند، از نظرها، دیدگاه‌های آنان مطلع شوند و اطلاعات خود را با آنان در میان گذارند.

بنابراین:

**همدلی، همفکری، همکاری
و هماهنگی عاملان تربیتی
در خانواده و مدرسه و جامعه،
اساس رشد سالم و متعادل را
تشکیل می‌دهد.**

وارد می‌کنند.

برای مثال، دختر یا پسری می‌خواهد برای شرکت در جشن تولد به خانهٔ دوستش برود. پدر می‌گوید: «نرو». مادر می‌گوید: «نه باید برو، اشکال ندارد!» دختر در آستانه در قرار می‌گیرد و یک پا جلو و یک پا عقب نمی‌داند برود یا نرود! در این موقعیت پدر و مادر با هم دعوا می‌کنند. پدر می‌گوید: «نه خانم نباید برود!» مادر می‌گوید: «نه آقا اشکالی ندارد، بگذار برود!» حالا دختر هم بلا تکلیف ایستاده است و ادامه ماجرا. حاصل این وضعیت می‌شود عدم وحدت میان عاملان تربیتی (پدر و مادر) که بر چگونگی روابط آنها با فرزندشان آسیب وارد می‌کند. در این شرایط و فضا است که کودک می‌آید پیش مادر، از پدر شکایت می‌کند و می‌رود پیش پدر، از مادر بد می‌گوید. کودک در این وضعیت ریاکار و منافق می‌شود و در نهایت به چندگانگی شخصیت مبتلا می‌گردد.

در این ارتباط فرزندنامان، ما پدر و مادرها را مورد خطاب قرار می‌دهند و به ما می‌گویند (به‌پژوه، ۱۳۹۳):

ای پدر، ای مادر

بی‌توان همدلی ار باشد و مهر،

من چو گل در برتان شادابم،

مگذارید که الفت ز میان برخیزد،

من پریشان شوم و آشفته،

نقض پیمان مکنید،

که خدا بین شما عهد مؤدت بسته است.

یکی دیگر از موانع هماهنگی، دخالت برادر یا خواهر بزرگتر، پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها است و گاهی اوقات برخی از کودکان دارای دو پدر یا دو مادر هستند! لذا ضرورت دارد پدر و مادر قبلاً با آنها صحبت کنند و هماهنگی لازم را به عمل آورند.

توصیه‌ها

• پدر و مادر باید پیشتر دربارهٔ امور گوناگون تفکر و مطالعه کنند و با یکدیگر مشورت نمایند. البته گفتنی است که طبق تجربیات بالینی و تحقیقات انجام شده، بزرگ‌ترین مانع هماهنگی پدر و مادر، ازدواج نامناسب و نادرست زن و شوهر و عدم رعایت تناسب‌ها در همسرگزینی است که تا پایان عمر بر روابط زن و شوهر یا پدر و مادر با یکدیگر آثار سوء بر جا می‌گذارد. از این رو، بهترین نقطهٔ شروع آموزش خانواده، آموزش

پیامدهای نبود هماهنگی میان عاملان

تربیتی

در مقابل، چنانچه میان عاملان تربیتی هماهنگی لازم وجود نداشته باشد، پیامدهای جبران‌ناپذیری به وجود می‌آید. برای مثال، در خانه‌ای که مشخص نیست چه کسی باید گل‌ها را آب دهد! در این وضعیت گل‌های آن خانه خشک می‌شوند یا ریشه‌های آنها بر اثر زیاد آب دادن می‌پوسد!

مثال دیگر، اگر میان دو آشپز (پدر و مادر) هماهنگی نباشد، آش شور می‌شود یا بی‌نمک! در هر حال بر اثر نبود هماهنگی میان عاملان تربیتی، پیامدهای نامطلوبی به شرح زیر حاصل خواهد شد:

• کودک به ناپایداری و دوگانگی شخصیت مبتلا می‌شود.

• در درون کودک تضاد و کشاکش روانی ایجاد می‌شود.

• کودک دچار اضطراب و ناامنی روانی می‌شود.

• کودک لجباز و بهانه‌گیر می‌شود.

• کودک در آینده نمی‌تواند به خوبی تصمیم بگیرد.

• کودک دچار عدم اعتماد به نفس می‌شود.

• کودک دچار تزلزل ارزش‌ها و آسیب‌پذیری فرهنگی می‌شود.

• کودک از نبود هماهنگی میان عاملان تربیتی سوء استفاده می‌کند.

• موجب ناسازگاری میان خواهران و برادران می‌شود.

• موجب ریاکاری، تظاهر و نفاق می‌شود.

• موجب بی‌اعتمادی کودک به والدین می‌شود.

• موجب سرکشی و نافرمانی کودک می‌شود.

نکته‌ای که ضرورت دارد به آن اشاره شود این است که پدر و مادر باید به یکدیگر احترام گذارند و گناه است اگر پدری، مادر را نزد کودک تحقیر و سرزنش کند. همچنین گناه است اگر مادری، بخواهد نزد کودک به پدر بی‌احترامی کند. به همین ترتیب

پدران و مادران باید به معلمان و مربیان احترام بگذارند و متقابلاً معلمان و مربیان باید با پدران و مادران با احترام رفتار کنند.

بدیهی است در صورت عدم هماهنگی میان عاملان تربیتی، فضای خانه و مدرسه به فضای کشاکش‌های روانی و عاطفی تبدیل می‌شود

که بیشترین آسیب را به رشد متعادل کودک